

تحلیلی بر راهبری سیاسی رهبر معظم انقلاب
ذیل بیانات به مناسبت سالروز شهادت امام صادق (ع)

صبر و استقامت کلید پیروزی بزرگ

فهم عمیق رویکرد سیاسی و راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مستلزم واکاوی دقیق مبانی فکری ایشان است که عمیقاً در معارف غنی اسلامی و تجربیات گران‌سنگ انقلاب اسلامی ریشه دارد. بیانات ایشان در مناسبت‌های گوناگون، به مثابه دریچه‌هایی برای نگرستن به این منظومه فکری عمل می‌کند، بویژه هنگامی که به تحلیل ژرف تاریخ زندگی اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌پردازند. این تحلیل‌های تاریخی صرفاً بازگویی وقایع گذشته نیست، بلکه بستری برای استخراج اصول راهبردی، تبیین مبانی ارزشی و ارائه درس‌هایی کارآمد برای مواجهه با پیچیدگی‌های دنیای معاصر محسوب می‌شود. در این میان، سخنرانی ایراد شده در پایان مجلس عزاداری سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در روز ۴ اردیبهشت، نمونه‌ای برجسته و قابل تأمل است. در این بیانات، رهبر انقلاب با نگاهی نافذ به وقایع حساس دوران آن امام همام، مؤلفه‌های کلیدی یک مواجهه هوشمندانه و دقیق با امر خطیر سیاست را بازگو می‌کنند. این یادداشت می‌کوشد با تمرکز موشکافانه بر مضامین و استدلال‌های مطرح‌شده در همین سخنرانی، ابعاد این شیوه راهبری سیاسی را روشن کند و نشان دهد چگونه تفکر ایشان، تاریخ را به مثابه یک منبع زنده و پویا برای فهم و عمل در زمان حال به کار می‌گیرد.



۱- تاریخ‌نگری راهبردی؛ فهم سنت‌های الهی و نقش محوری کنش انسانی

یکی از ستون‌های استوار در بنای تفکر سیاسی رهبر انقلاب، نگاه راهبردی و فطرت‌آموز به تاریخ است. تاریخ در نگاه ایشان، صرفاً مجموعه‌ای از رویدادهای سپری‌شده نیست، بلکه آیینه تمام‌نمای سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و آوردگاهی برای فهم تأثیرات عمیق کنش‌های فردی و جمعی انسان‌ها بر سرنوشت خود و مسیر حرکت تاریخ است. در بیانات مورد بحث، ایشان با استناد به روایتی از حضرت صادق علیه‌السلام، به یک تقدیر الهی برای وقوع تحولی بنیادین به نفع جریان امامت اشاره می‌کنند که برای سال ۷۰ هجری مقرر شده بود. ایشان تصریح می‌کنند خداوند متعال «این امر را، یعنی امر امامت به معنای واقعی راه در تقدیر خودش برای سال ۷۰ هجری گذاشته بود.» نکته کلیدی و بسیار مهم در این تحلیل آن است که این تقدیر، امری جبری و محتمل نبوده، بلکه در دایره تقدیر الهی قرار داشته و نه فضای حتمی. این تمایز ظریف، فضا را برای درک نقش تعیین‌کننده عوامل انسانی باز می‌کند.

رهبر انقلاب بلافاصله به دلایل به تأخیر افتادن این تحول بزرگ می‌پردازد؛ عامل اول، فاجعه عظیم کربلا و پیامدهای آن است که نشان‌دهنده میزان «بی‌اعتنایی مردم به مبانی دینی» و «اعراض آنها» بود. شدت این انحراف به حدی بود که غضب الهی را برانگیخت و تحقق آن تقدیر را به سال ۱۴۰ هجری، یعنی دوران امامت حضرت صادق علیه‌السلام، به تعویق انداخت: «فَلَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَارَحَهُ إِلَيَّ مِنْهُ وَارْبَعِينَ» اما این

پایان ماجرا نبود. ایشان به عامل دومی اشاره می‌کنند که مستقیماً به عملکرد پیروان اهل‌بیت بازمی‌گردد: افشاکاری ناپجا و عدم حفظ اسرار مربوط به این برنامه. ایشان به صراحت می‌فرمایند امام فرمودند: «شما افشا کردید، خدا عقب انداخت.»

تحلیل این فراز و فرود تاریخی، حامل پیامی عمیق و کاربردی برای امروز است: سرنوشت جوامع و تحقق وعده‌های الهی، ارتباطی مستقیم با سطح معرفت، بصیرت، استقامت، صبر و هوشمندی کنشگران آن جامعه دارد. رهبر انقلاب با تأکیدی ویژه، تأثیرات این کوتاهی‌ها را برمی‌شمارند: «کوتاهی‌های ما، یک جا دهن‌لقی‌مان، یک جا کمک نکردن‌مان، یک جا اعتراض کردن بیخودی‌مان، یک جا صبر نکردن‌مان، یک جا تحلیل غلطی که از اوضاع می‌کنیم، گاهی تأثیر می‌گذارد، آن هم تأثیرات تاریخی، یعنی اینچور مسیر را عوض می‌کند، لذا خیلی باید مراقبت کرد.» این عبارات صرفاً بیان یک حسرت تاریخی نیست، بلکه هشداری جدی برای امروز و آینده است. این نوع نگاه تاریخی، مبنای اهمیت مفاهیمی چون «بصیرت»، «صبر استراتژیک»، «تحلیل واقع‌بینانه شرایط» و «تسجام‌عمل» در اندیشه سیاسی ایشان است و نشان می‌دهد فرصت‌های بزرگ تاریخی می‌تواند به واسطه خطاهای انسانی از دست برود. بنابراین مراقبت دائمی، دقت در تحلیل و عمل و درک مسئولیت فردی و جمعی، لازمه حرکت در مسیر صحیح است.

۲- «استقامت» و افشاشی بر «عزت» نقشه هویت‌زدایی دشمن را خنثی می‌کند

بخش قابل توجهی از بیانات رهبر انقلاب به نقد صریح و

رد قاطعانه روایاتی اختصاص یافته که چهره‌ای تحریف‌شده و به دور از شأن واقعی اهل‌بیت علیهم‌السلام بویژه در مواجهه با حکام جور ارائه می‌دهند. ایشان با اشاره مشخص به داستان‌های که امام صادق علیه‌السلام را در برابر منصور دوانیقی، خلیفه عباسی، در موضع ضعف و درخواست بخشش نشان می‌دهد، با قاطعیتی مثال‌زدنی اعلام می‌کنند: «اینها را بنده به طور قاطع می‌گویم دروغ است؛ به طور قاطع اینها واقعیت ندارد. امام با هیچ‌کس این‌جوری حرف نمی‌زند؛ چه آن وقتی که خطر کشته شدن باشد، چه خطر کشته شدن نباشد؛ هر چه، امام اصلاً این‌جوری حرف نمی‌زند.»

این نفی قاطعانه، فراتر از یک مناقشه رجالی یا تاریخی صرف، بیانگر یک اصل بنیادین در مکتب سیاسی اهل‌بیت و به تبع آن، در گفتمان انقلاب اسلامی است: اصل خدشه‌ناپذیر «عزت» و «استقامت» در برابر ظلم، استکبار و قدرت‌های پوشالی. رهبر انقلاب صرفاً به رد محتوای روایت اکتفا نمی‌کنند، بلکه با هوشمندی، به منبع و اعتبار آن نیز می‌پردازند و راوی آن، یعنی ربیع، را به عنوان «خادم منصور» و «یک فرد درباری دروغگو» معرفی می‌کنند. این روش‌نگری درباره منبع، درس مهمی در زمینه سواد رسانه‌ای و تحلیل انتقادی اطلاعات در دنیای امروز است. ایشان همچنین انگیزه احتمالی پشت جعل چنین روایاتی را نیز کالبدشکافی می‌کنند: «خب! این برای از بین بردن روحیه شیعه اِزار خوبی است دیگر، لذا از نقل اینها مطلقاً باید اجتناب کرد.» این تشخیص دقیق هدف جنگ روانی دشمن، یعنی تضعیف روحیه مقاومت و القای یاس، نشان‌دهنده

عمق نگاه ایشان به ابعاد نبرد نرم است. در مقابل این تصویر جعلی و ذلت‌پذیر، رهبر انقلاب الگوی اصیل و صحیح رفتار ائمه هدی علیهم‌السلام را ترسیم می‌کنند. ایشان تأکید می‌کنند ائمه همواره «درس استقامت و درس ایستادگی و درس منطق» می‌دادند و در مواجهه با مخالفان، با «منطق، استدلال، طرف را گیر انداختن» عمل می‌کردند. مصداق بارز این روش عزتمندانه و شجاعانه را نیز یادآوری می‌کنند: «شما ببینید حضرت زینب(س) در مجلس این‌زاید، در مجلس یزید چه جوری حرف می‌زند! آن درست است؛ آن خط، خط درست ائمه است.» این تأکید بر استقامت مبتنی بر منطق و حقانیت، شالوده رویکرد نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با فشارهای بین‌المللی و زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های استکباری است. ایشان این اصل را به زمان حال نیز تعمیم داده و مقاومت امروز در فلسطین و لبنان را در امتداد همین خط اصیل معرفی می‌کنند: «هر کسی ایستادگی کند، در خط این بزرگواران دارد حرکت می‌کند. امروز هم اینهایی که در غزه، در لبنان دارند ایستادگی می‌کنند، اینها در واقع در خط همین ائمه دین، ائمه هدی دارند کار می‌کنند.» این پیوند میان تاریخ و حال، نشان می‌دهد استقامت، یک اصل پایدار و هویت‌ساز در مکتب فکری ایشان است.

۳- ضرورت صبر راهبردی؛ خطرات مرگبار اقدام زودهنگام و تصمیم‌گیری بر اساس تحلیل اشتباه

تحلیل رهبر انقلاب از دوران امام صادق علیه‌السلام بویژه اشاره به فضای انتظار و اشتیاق در میان شیعیان برای برپایی حکومت عدل اهل‌بیت، درس‌های مهمی درباره ضرورت «صبر راهبردی» و «زمان‌شناسی» در مبارزات سیاسی و

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴
 وطن‌امروز | شماره ۴۳۳

[وطن]

اجتماعی در بر دارد. ایشان به نمونه‌هایی از این انتظار اشاره می‌کنند، مانند سخن منسوب به زُرارَه که بر منابر خلافت جز امام صادق علیه‌السلام را نمی‌دید یا پرسش یکی از یاران از طریق زرارَه مبنی بر اینکه آیا امر خلافت در همین یکی دو سال آینده محقق می‌شود یا خیر. این انتظار که ریشه بی‌صبری و سوالات مکرر از امام منجر می‌شد: «اینکه شما می‌بینید می‌آیند خدمت حضرت صادق و مدام می‌گویند آقا! چرا قیام نمی‌کنید، چرا قیام نمی‌کنید، ناشی از این است.» اگرچه اصل این انتظار و آمادگی، امری مثبت و ضروری بود اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، «افشاکاری» ناشی از همین بی‌صبری یا عدم درک دقیق شرایط، یکی از عوامل به تأخیر افتادن امر بود.

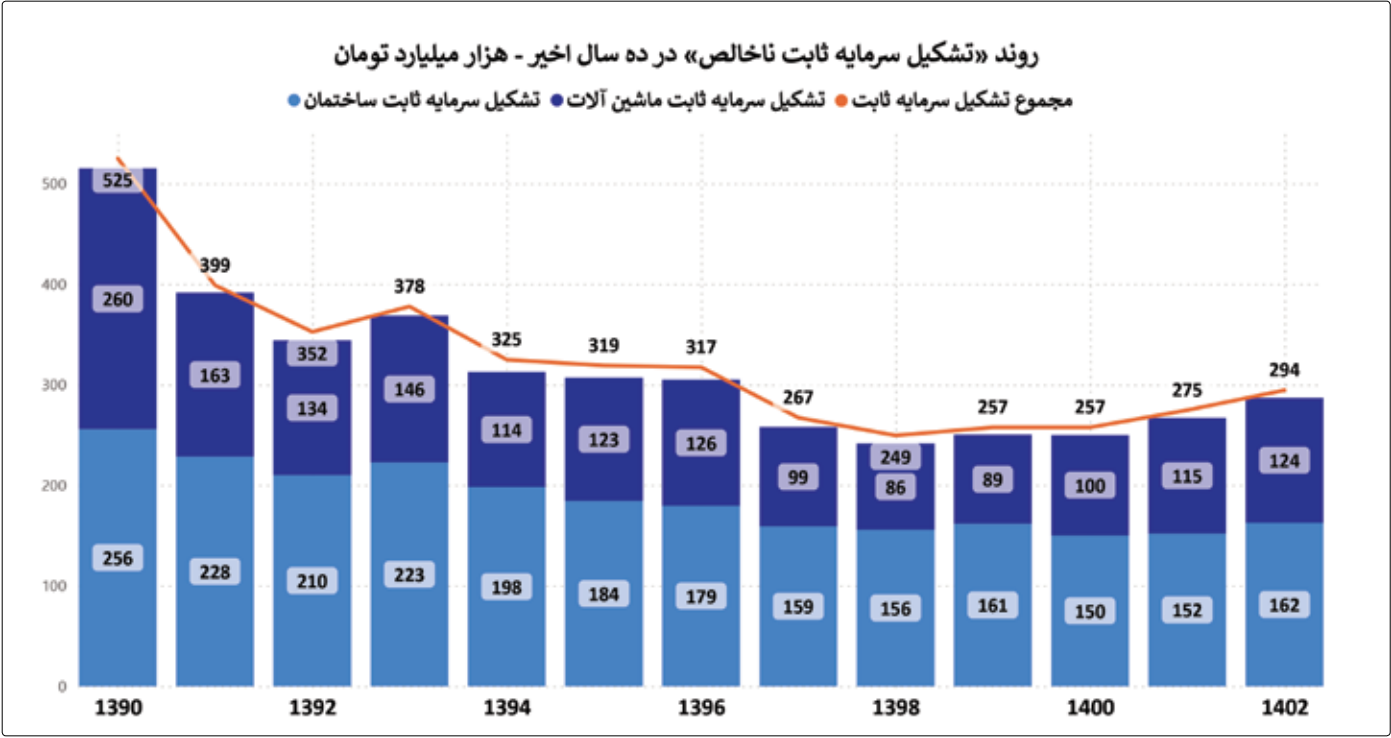
علاوه بر این، رهبر انقلاب به «تحلیل غلطی که از اوضاع می‌کنیم» به عنوان یکی دیگر از عوامل مخرب و تأثیرگذار بر مسیر تاریخ اشاره کردند. این تأکید مضاعف بر لزوم صبر، پرهیز از افشای برنامه‌ها پیش از موعد مقرر و اهمیت حیاتی تحلیل صحیح و واقع‌بینانه از شرایط، بیانگر جایگاه محوری مفاهیمی چون «بصیرت»، «محرمانگی» و «حکمت» در کنشگری سیاسی از دیدگاه ایشان است. تصمیم‌گیری‌های کلان بویژه در عرصه‌های پرچالش داخلی و بین‌المللی، نیازمند سنجش دقیق همه جوانب، مقاومت در برابر فشارهای احساسی یا پوپولیستی برای اقدام فوری و انتخاب بهترین زمان و روش ممکن است.

شتابزدگی، افشاکاری‌های ناپجا و تحلیل‌های سطحی یا نادرست می‌تواند هزینه‌های سنگینی را تحمیل کند و فرصت‌های مغتنم را به تهدید تبدیل نماید، همان‌گونه که تحلیل تاریخی ایشان از آن دوران نشان می‌دهد. این نگاه، بر اهمیت نقش رهبری هوشمند و صبور در هدایت جامعه در مسیرهای دشوار تأکید می‌کند.

۴- در جنگ روایت‌ها، منبع خبر از خود خبر مهم‌تر است
 فراتر از رد یک روایت خاص، موضع‌گیری رهبر انقلاب در برابر داستان جعلی ربیع، یک اصل کلی‌تر را در مواجهه با دنیای پیچیده اطلاعات و ارتباطات امروز برجسته می‌کند: ضرورت هوشیاری دائمی در برابر «جنگ روایت‌ها» و تلاش مستمر دشمن برای دستکاری افکار عمومی و تحریف واقعیات. تأکید ایشان بر شناخت دقیق منبع خبر («ربیع، خادم منصور... فرد درباری دروغگو») و تحلیل انگیزه آن («از بین بردن روحیه شیعه»، الگویی برای مواجهه انتقادی با سبیلی از اطلاعاتی است که روزانه به سوی مخاطبان روانه می‌شود. ایشان به صراحت نسبت به تکرار ناآگاهانه چنین مطالبی هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «از نقل اینها مطلقاً باید اجتناب کرد» و اشاره می‌کنند «بعضی‌ها بی‌خودی نقل می‌کنند، در حالی که این روایات، روایات درستی نیست.» این هشدار، در واقع فراخوانی به تعهد و مسئولیت‌پذیری در نشر اطلاعات و اهمیت رجوع به منابع معتبر و تحلیل عمیق محتوا، پیش از پذیرش یا بازنشر آن است. این دقت نظر و وسواس در تفکیک سره از ناسره، لازمه حفظ سلامت فکری جامعه و مقابله موثر با عملیات روانی و جنگ نرم دشمنان است و بخشی حیاتی از آن «مراقبت» همه‌جانبه است.

به رغم وضعیت نسبتاً امیدوار کننده در سرمایه گذاری، اقتصاد ایران همچنان نیازمنداهتمام وبژه در این بخش است

سرمایه گذاری؛ رگ حیات اقتصاد



از ۴٫۵ درصد بوده است.

دولت: در اقتصاد، ایجاد زیرساخت‌های اساسی مانند جاده‌ها، پل‌ها، بنادر، زیرساخت‌های انرژی و ارتباطات، به عنوان کالای عمومی، بر عهده دولت است. هر چند دولت می‌تواند در قالب مشارکت عمومی و خصوصی، ظرفیت بخش خصوصی را نیز برای ایجاد زیرساخت‌های اساسی به کار بگیرد ولی در نهایت مسئولیت سرمایه‌گذاری در اینگونه موارد با دولت است. با توجه به اینکه در اقتصاد ایران، بودجه عمومی همواره در معرض کسری بودجه بجهت پنهان قرار دارد، از این رو در اغلب سال‌ها، اعتبارات پیش‌بینی‌شده عمرانی صرف جبران این کسری‌ها شده است. همین عامل موجب شده است در بسیاری از زمینه‌ها، مانند شبکه‌های بزرگراهی، بنادر، انرژی، ارتباطات و نظایر آن، فاصله معناداری بین زیرساخت‌های ایران و سایر کشورهای مشابه وجود داشته باشد. ضعف در زیرساخت‌های اساسی هم مستقیماً تنگنایی برای رشد اقتصادی محسوب می‌شود و هم به طور غیرمستقیم مانع جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی شده است. طبق آمارها، مستخرج از بودجه‌های سالانه، در طول دوره ۲۶ ساله یعنی از سال ۱۳۷۶ تا قانون بودجه سال ۱۴۰۰ نسبت بودجه عمرانی مصوب به بودجه جاری از حدود ۶۶ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۹ درصد در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ رسیده است.

■ سرمایه‌گذاری و ادبیات اقتصادی

در حالی که تجربه اقتصادی از یک منطقه به منطقه دیگر و در شمایل بزرگ‌تر از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است و به تبع آنها تحلیل‌ها و تجویزها نیز تمایز می‌یابد اما می‌توان یک اصل را در اقتصاد و توسعه اقتصادی بین تمام کشورها و تجربه‌ها مشاهده دانست. با اینکه عوامل زیادی از جمعیت و تجارت گرفته تا کیفیت نهاده‌های تولید، همگی بر رشد و توسعه اقتصادی موثرند اما یک اصل برجسته که در عمده تاریخ اقتصادی بین افول‌ها و صعودهای اقتصادی مشترک است، «سرمایه‌گذاری» است. سرمایه‌گذاری نه تنها یک اصل حیاتی برای اقتصاد است، بلکه پیش‌شرط آن نیز محسوب می‌شود. یک نقل قول معروف، اهمیت «سرمایه‌گذاری» را اینچنین توصیف می‌کند: «دستیابی به رشد اقتصادی و رضایت جامعه مستلزم افزایش مداوم هم در موجودی سرمایه داخلی و هم در کارایی استفاده از آن است.» در علم اقتصاد برای سنجش‌پذیر شدن مساله سرمایه‌گذاری و کم و کیف آن از «نرخ تشکیل سرمایه» یا «نرخ رشد سرمایه‌گذاری» استفاده می‌شود. نرخ تشکیل سرمایه در معنای ساده یعنی برای تولید در یک اقتصاد چه مقدار نهاده‌های تولید با یکدیگر همکاری می‌کنند تا در نهایت رشد یا رکود اقتصادی را خلق کنند. عوامل تولید در یک اقتصاد از نیروی کار و سرمایه تشکیل شده است. نیروی کار در حقیقت همان جمعیت شاغل اعم از: متخصص تا کارگر ساده است و عنصر بعدی یعنی سرمایه، تشکیل شده از ساختمان و ماشین‌آلات است.

■ سرمایه‌گذاری و اقتصاد ایران

در اقتصاد ایران نیز سرمایه‌گذاری به عنوان یک مؤلفه مهم و تأثیرگذار شناسایی می‌شود و بر اساس مطالعات مختلف در یک دوره بلندمدت، عامل «رشد سرمایه‌گذاری» بیشترین سهم را در توضیح رشد اقتصادی ایران دارد. این ادبیات تأکید می‌کنند نرخ رشد سرمایه‌گذاری به همان میزان که می‌تواند در رشد اقتصادی موثر باشد، نبود آن نیز می‌تواند تعدیل‌کننده رونق اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی باشد. حکم این ادعا مقایسه دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در اقتصاد ایران است که به لحاظ سرمایه‌گذاری اولی را می‌توان «دوران طلایی»

سال‌های خود را سپری کرده است. بررسی روند سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد تشکیل سرمایه ثابت ناخالصی در سال‌های پایانی دهه ۸۰ به اوج خود رسیده بود اما در نهایت طی دهه ۹۰ به مرور کاهش یافت.

■ موانع مهم سرمایه‌گذاری در ایران

فارغ از تحریم‌ها که تأثیر آن بر اقتصاد ایران بویژه از ناحیه ایجاد نااطمینانی و فرار سرمایه، همچنین کاهش جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی پوشیده نیست، در این بخش مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری در ایران را در ۳ عامل توم، نظام بانکی و دولت جست‌وجو می‌کنیم. این نوع دسته‌بندی به معنی اهمیت کمتر تحریم‌ها نیست؛ بلکه به دلیل نبود آمارهای دقیق، همچنین عیان بودن این موضوع، از بیان آن می‌گذریم. **تورم:** در اقتصاد ایران، عوامل مختلفی به عنوان موانع سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی نقش ایفا می‌کنند. به عنوان مثال در مقاطعی، سرکوب نرخ ارز مانع اصلی سرمایه‌گذاری داخلی بوده و در برخی مقاطع، تحریم‌های خارجی مهم‌ترین مانع سرمایه‌گذاری بوده است. آنچه باید بر آن تأکید شود آن است که در تمام مقاطع، تورم مزمن و دخالت دولت در بازارها اصلی‌ترین موانع سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران بوده است. تورم مزمن و بی‌ثباتی اقتصاد کلان، انگیزه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را در اقتصاد کاهش می‌دهد. پایداری و ماندگاری تورم به بی‌ثباتی بازارها، کاهش کارایی